

حزب ملت ایران دفتر اروپایی

پنجاه و دومین سالگرد شهادت دکتر حسین فاطمی سردار بزرگ نهضت ملی ایران

« اعدام دکتر فاطمی وزیر خارجه دکتر مصدق بمن آرامش داد زیرا دیگر کسی جرأت نخواهد کرد چنین خشم آلود پنجه به چهره سیاست امپراتوری انگلیس بزند »

(سر دنیس رایت کاردار اسبق سفارت انگلیس در ایران)

سحرگاه چهارشنبه نوزده آبانماه یکهزار و سیصد و سی و سه خورشیدی دکتر حسین فاطمی سردار بزرگ نهضت ملی ایران ، روزنامه نگار مبارز ، آزادیخواه نستوه و وزیر امور خارجه دولت ملی دکتر مصدق ، در حالی که سخت بیمار و تب دار بود در میدان تیر تیپ دو نادری به جوخه اعدام سپرده شد و بدین سان به جمع شهدای راه آزادی و استقلال ایران زمین پیوست.

دکتر فاطمی انسانی به تمام معنا آزاده و مبارزی خستگی ناپذیر علیه استعمار و استبداد بود که هر گونه تسلط استعماری را محکوم می کرد . دکتر فاطمی می گفت : " ملت ما برای حفظ استقلال و حاکمیت خود با هر دولتی که بخواهد در امور ایران مداخله نماید نمی تواند سرسازش داشته باشد و با هر نوع استعماری بهر رنگ و عنوان و نامی خواه سیاه و خواه سرخ مبارزه می کند و در این مبارزه جز کوتاه ساختن دست ایادی اجنبی در امورداخلی ایران هیچ قصد و غرضی ندارد . ما تصمیم گرفته ایم در خانه خودمان آزاد و از هر تعدی و تجاوز و دخالت بیگانه ایمن و راحت باشیم . برای ایرانی هر خارجی ، خارجی است و فرقی بین استعمار روسی و انگلیسی و آمریکایی نمی گذارد . با اینکه میل داریم با تمام دول روابط دوستی داشته باشیم ولی هیچگاه روابط حسنه را به قیمت مداخله در امور ایران نمی پذیریم "

(شماره ۳۰۲ روزنامه باختر امروز مردادماه ۱۳۲۹ خورشیدی)

طرح ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور نخستین بار از سوی دکتر فاطمی در جمع سران جبهه ملی پیشنهاد گردید که به تصویب رسید همین امر باعث برانگیخته شدن خشم و کینه دولتمردان انگلیس گردید و موجب شد تا هنگام سخنرانی بر سر مزارروزنامه نگار شهید محمد مسعود ، هدف گلوله های اسلحه " پسرک سفید روثی " از اعضای گروهک فدائیان اسلام قرار گیرد و به سختی مجروح شود .

" اگر ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی است که بمملکت شده باید از آن کسی که اول این پیشنهاد را نمود سپاسگزاری کرد و آن کس شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی است . "

(دکتر محمد مصدق)

در انتخابات دوره هفدهم ، دکتر فاطمی از سوی مردم تهران به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید . پس از قیام ملی سی تییر ، پست پر اهمیت وزارت خارجه به او سپرده شد و بفرمان رهبربزرگ نهضت ملی ایران ، قطع روابط سیاسی با دولت استعمارگر انگلیس را به عهده گرفت و در اسرع وقت درب سفارت و کنسولگری ها آن دولت را بست و اعضای سفارت را ظرف چهل و هشت ساعت مجبور به ترک ایران نمود . بدین ترتیب خشم و کینه دولتمردان انگلیس نسبت به او دو چندان شد . در نیمه های شب بیست و پنجم مردادماه یکهزار و سیصد و سی و دو، افراد گارد شاهنشاهی که وظیفه دار حفاظت از کاخ های سلطنتی بودند ، مغول وار به خانه وزیرخارجه کشور یورش برده و به گونه ای اهانت آمیز دکتر فاطمی را دستگیر و در حالی که لباس خواب بر تن داشت به کاخ سعدآباد بردند . با شکست کودتای بیگانه ساخته ، بامدادان پیروزمندانه به خانه بازگشت و در عصر همان روز در متینگ میدان بهارستان شرکت و طی یک سخنرانی پرشور پرده از روی توطئه های بیگانگان و ایادی داخلیشان

برداشت و چهره دشمنان واقعی ملت ایران را بیش از پیش به ملت ایران و جهانیان نمایان ساخت

شهید دکتر فاطمی در دوره درخشان نهضت ملی ایران که برآستی می توان آنرا از سال های پرافتخار تاریخ معاصر بحساب آورد ، پیوسته در کنار مصدق بزرگ بود و ترفندهای رنگارنگ وابستگان سیا ست بیگانگان برای منحرف ساختن اواز صف نهضت ملی ایران هرگز بجائی نرسید و لحظه ای تردید در ادامه خدمت به ایران و ایرانی در او بوجود نیآورد.

پس از کوتایک ننگین بیست و هشت مرداد دکتر فاطمی به زندگی مخفی رو آورد ولی در ششم اسفندماه همان سال مخفی گاه وی لو رفت و توسط سرگرد مولوی بازداشت و به مقر حکومت نظامی که در ساختمان شهربانی کل کشور قرار داشت ، برده شد . ضمن خروج از ساختمان شهربانی ، در حالی که دستهایش بسته و در بین سربازان مسلح محصور بود در اجرای فرمان ! مورد هجوم چاقو کشان درباری به سرکردگی شعبان بی مخ قرار گرفت و به سختی مجروح شد.

این بزرگمرد تاریخ ایران زمین ، نه ماه تمام با بدنی مجروح و در شرایطی بسیار سخت و طاقت فرسا در زندان بسر برد و در تمامی آن مدت به رغم جسم بیمار و دردهای ناشی از زخمهای دشمنه چاقو کشان حکومتی ، روحیه بسیار قوی و تسلیم ناپذیری داشت .

با توشیح حکم اعدام این آزادمرد ایران زمین ، " اعلیحضرت همایونی " به خواسته دولتمردان انگلیس جامه عمل پوشاند و در عرض بیست و پنجسال حکومت خود بر ایران با برقراری اختناق درکشورمان و حبس و شکنجه و اعدام مبارزان راه آزادی و استقلال میهن ، کشورمان را به جائی کشاند که امروز همگان شاهد آنیم .

پیش از اعدام دکتر فاطمی خطاب به سرتیپ حسین آزموده جلاد معروف چنین گفت :

" آقای آزموده ، مرگ حق است و من از مرگ ابایی ندارم آن هم چنین مرگ پرافتخاری . من می میرم که نسل جوان ایران از مرگ من درس عبرتی بگیرد و با خون خود از آزادی و وطنش دفاع کند و نگذارد جاسوسان اجنبی بر این کشور حکومت کنند . من درهای سفارت انگلیس را بسته ام ، غافل از اینکه تا دربار هست انگلستان نیازی به سفارت ندارد . من خدا را شکر می کنم که در راه مبارزه با فساد

شهید می شوم و خدا را شکر می کنم که با شهادتم در این راه دین خود را به ملت ستمدیده و استعمار زده ایران ادا کردم و امیدوارم که جوانان مبارز، نهضت استقلال طلبانه این کشور را همچنان ادامه دهند . "

رادمردانی که در روزهای سیاه و سرنوشت ساز پنجه در پنجه دیو استبداد و ارتجاع افکنده اند ، زندان و شکنجه و مرگ در برابر ایمان تزلزل ناپذیرشان ناچیز و زبون بوده است ، دکتر فاطمی این دلاورمرد آزادیخواه را که با آغوشی باز مرگ را بر خیانت به نهضت ملی ایران و پیشوای بزرگ آن ترجیح داد ، بیاد می آورند ، بیاد می آورند او را که در واپسین لحظه های حیات پرافتخارش از تمامی وجود خود کمک گرفت و فریاد برآورد :

درود بر مصدق ، پاینده باد ایران

زمانی هم که جلادان خون آشام وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در اجرای امر ، داریوش و پروانه فروهر را با ضربه های پی در پی دشمنانه مثله نمودند ، بدون شک این فرزندان راستین و دلاور ایران زمین که عشقی جز به ایران و ملت تحت ستم آن در دل نداشتند ، همان فریادی را از دل برآوردند که دکتر فاطمی در واپسین لحظه های حیات پرافتخارش ازته دل برآورد و با خون پاک خویش صفحه هایی از تاریخ ایران زمین را بنام خود رقم زد

درود بر روان پاک جانبختگان راه آزادی و بزرگی ایران زمین

درود بر زندانیان سیاسی

پیروز باد مبارزات ملت ایران در راه رسیدن به آزادی و عدالت، در سایه

نظامی مردمسالار

چهارشنبه هفدهم آبانماه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج خورشیدی

دفتر اروپایی حزب ملت ایران